

چرا شرکت در انتخابات؟

گزارش سخنرانی آقای مهندس محمد توسلی در مشهد، در محل ستاد دانشجویان مطالبه محور:

۸۸/۳/۷

مجری جلسه ابتدا ضمن خیر مقدم به مهمانان و مدعوین، از اساتیدی که "معمولا در شرایط غیر عادی امکان دعوت از آنها وجود دارد" تشکر کرد و ضمن یادی از دانشجویان در بند، درخواست آزادی همه آنها را نمود و اشاره ای به علل شکل گیری ستادشان که عمدتاً تفاوت سطح مطالبات با سایر کاندیداهای اصلاح طلب می باشد، نمود.

سپس آقای مهندس توسلی در جایگاه حاضر شد و برای توضیح اینکه چرا در شرایط کنونی ضرورت دارد در انتخابات شرکت کنیم به بررسی روند تاریخی انتخابات در ۱۰۰ سال گذشته کشور پرداخت. در دوره انقلاب مشروطه که خواست اصلی مردم «محدود کردن اختیارات قدرت سیاسی و واگذاری اختیارات به مردم» بود که البته همچنان این خواست تا کنون تداوم داشته است، حضور و نقش تاثیر گذار مردم در انتخابات آغاز می شود. در دوران نهضت ملی و دکتر مصدق برای پاسخ به این مطالبه دیر پای مردم " اصلاح قانون انتخابات و انجمن های شهر" یکی از دو برنامه مصدق بود تا با برگزاری انتخابات آزاد مردم بتوانند در اداره شهرها و کشور مشارکت کنند. در سالهای پس از کودتای سال ۳۲ نیز علیرغم شرایط کودتا نهضت مقاومت ملی، شرکت در انتخابات را تا سالهای ۳۹ به جهت پیگیری مطالبات مردم پیگیری کرد و این شعار را می داد: " در انتخابات شرکت می کنیم یا پیروز می شویم یا رسوا می کنیم".

پس از انقلاب اسلامی ۵۷ ابتدا مردم بطور گسترده در انتخابات شرکت می کردند بطوریکه در فراندیم جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین سال ۵۸ بیش از ۹۸ درصد مردم در آن شرکت کردند. زیرا ویژگی های جمهوری اسلامی را که رهبر فقید انقلاب در پاریس در مصاحبه ها و سخنرانی های متعدد بیان کرده بودند در راستای همان مطالبات تاریخی مردم بود، در این میان مهندس بازرگان با شناخت و دغدغه تاریخی خویش پیشنهاد: " جمهوری دموکراتیک اسلامی" را مطرح کرد، چون نگران برداشتهای غیر دموکراتیک از اسلام بود.

مهندس توسلی افزود: تا خرداد سال ۶۰ انتخابات عموماً آزاد، سالم و بدون نظارت استصوابی برگزار می شد. اما از آن تاریخ فضا بسته و فعالیت گروههای سیاسی متوقف شد. در آن فضا، نهضت آزادی به دلیل سابقه رهبرانش توانست مقاومت کند و با پذیرش هزینه های سنگین به حیات خود ادامه دهد. در این دوران نهضت آزادی از فرصت انتخابات استفاده می کرد و به رسالت آگاهی بخشی خود عمل می کرد. برگزاری سمینارهای تامین انتخابات آزاد و سالم بخشی از این برنامه ها بود که در آنها معیارهای انتخابات آزاد و سالم و حقوق مردم در انتخابات ارایه می شد. با پایان جنگ و تغییر فضای سیاسی، در انتخابات مجلس پنجم تعدادی از

اعضای نهضت آزادی، با قید عضویت در نهضت در فرم مربوطه، ثبت نام کردند اما رد صلاحیت نشدند. اما به علت نداشتن امکانات تبلیغاتی و محدودیت ها انصراف دادند.

در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری سال ۷۶، نهضت و برخی از چهره های ملی و اسلامی در انتخابات ثبت نام کردند اما رد صلاحیت شدند. در روز دوم خرداد، مردم برای اعتراض به نامزد حاکمیت با حضور گسترده خود در انتخابات به خاتمی رای دادند تا بطور دموکراتیک اعتراض خود را به نمایش بگذارند. شرایط و فضا و به دنبال آن معادلات سیاسی تغییر کرد، که سرآغاز تغییرات در سالهای اخیر شد.

مهندس توسلی افزود: "به اعتقاد من در آن ۸ سال خدمات زیادی، به رغم بحران های مستمر و مقاومتی که محافظه کاران داشتند، در عرصه های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی انجام شد. بدیهی است که هم نقد های جدی به عملکرد اصلاح طلبان وارد بود و هم به مردم به ویژه جوانان و دانشجویان که انتظار دوازده ساله از اصلاح طلبان داشتند.

به گفته توسلی در نهایت بعد از همه افت و خیزها، در دور دوم نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴، آقای هاشمی رفسنجانی در مقابل آقای احمدی نژاد قرار گرفت و بسیاری در انتخابات شرکت نکردند و احمدی نژاد انتخاب شد و جامعه ما امروز هزینه های این انتخاب را پرداخت می کند. بسیاری از تحریمیون دیروز امروز به این جمع بندی رسیده اند که رای ندادن عملا رای به احمدی نژاد بوده است و عمل خود را مورد نقد قرار می دهند.

وی افزود: جا دارد به زمینه های موفقیت جریان احمدی نژاد نیز اشاره ای داشته باشیم. در انتخابات آزاد شوراهای دوم که بدون نظارت استصوابی انجام شد مشارکت مردم بسیار پایین بود؛ در تهران حدود ۱۱ درصد. چرا؟ مردم از عملکرد اصلاح طلبان در شورا های شهر راضی نبودند و در نتیجه در تهران، گروه ناشناخته ی آبادگران - با رای ثابتی که دارند - تمام کرسی های شورا را به خود اختصاص دادند و شورای شهر، آقای احمدی نژاد را به عنوان شهردار تهران انتخاب کرد. احمدی نژاد از تمام امکانات شهرداری و شهر تهران برای پیشبرد اهداف خود استفاده کرد و از این فرصت به عنوان سکوی پرشی برای انتخابات ریاست جمهوری بهره گرفت. شرکت نکردن مردم در انتخابات شورای شهر دوم و دور دوم نهمین دوره ریاست جمهوری چنین پیامدی برای مردم و کشور در پی داشته است. این یک تجربه تاریخی است و باید از آن امروز درس گرفت.

مهندس توسلی در ادامه گفت: حال بد نیست که در اینجا یک ارزیابی کوتاهی از عملکرد دولت نهم داشته باشیم. در عرصه اقتصادی و شعار پول نفت بر سر سفره مردم، نیازی به توضیح نیست و نرخ تورم دو رقمی و بیکاری فعلی و وضعیت معیشت مردم خود گویاست. همه اینها به رغم اینکه در این ۴ سال افسانه ای ترین

درآمدها را از نفت داشته ایم، رخ داده است. هر چند ارقام درآمد های نفت و گاز شفاف اعلام نشده، اما کف گزارشها ۷۰-۲۶۰ میلیارد دلار یعنی حدود ۳ برابر متوسط درآمد چهار دوره قبل است. اما گزارشهای کارشناسی نشان می دهد که امروز ما در هر سه زمینه صنعتی، کشاورزی و خدمات با بحران روبرو هستیم. در تولید گندم، از خودکفایی به واردکننده عمده تبدیل شده ایم. عسلویه که یک پروژه ملی بود، امروز خاموش است و بسیاری از شرکتهای فعال در آنجا، نیروهای کاری را کم کردند. در عرصه اجتماعی، سرکوبها افزایش یافته. جنبش دانشجویی، کارگران، معلمان، زنان، احزاب و مطبوعات در این دوران به طور مستمر تحت فشار و سرکوب بودند. عملکرد وزارت ارشاد در اعمال محدودیتها برای فیلم، کتاب، مطبوعات و... معلوم است. در سندهای اصلاح طلبان هنرمندان می گویند ۴ سال «خفت و حقارت» کافیسست و علیرغم فشارها، عقده دل را می گشایند. در عرصه خارجی ایجاد تنش های بی مورد مانند " هولوکاست، نمایش های هسته ای و...." واثر تحریمها بر اقتصاد کشور خود گویاست. اگر بخواهم خلاصه بکنم چکیده عملکرد دولت نهم، عوامفریبی، رواج خرافات، سوء استفاده از اعتقادات مذهبی، کژ اندیشی، بی تدبیری، ناکارآمدی و به سخره گرفتن عقلانیت و ظرفیت های کارشناسی کشور بوده است. ۱۵۰ اقتصاددان کشور چهار نامه کارشناسی به دولت اریه کردند که نماد عقل جمعی اقتصادی کشور است. چه وقعی دولت بر این عقل جمعی گذاشت؟ در نامه تحلیلی ۷۵ استاد جامعه شناس به رییس جمهور، پیامدهای سیاستهای ایشان را بازکردند. اما چه توجهی شد؟

مجموعه اینها و اوضاع و احوال نشان می دهد که ملت از عملکرد دولت نهم نا راضی است و به ستوه آمده است. پیامد چنین رفتاری با مردم چیزی جز تحقیر ملت نیست. پس عموم ملت هدف مشترکی یعنی اعتراض به دولت نهم و جلوگیری از ادامه آن را دنبال می کنند. به جز طرفداران دولت، اکثریت مردم بر این گفتمان اعتراضی توافق دارند.

آیا دستیابی به این هدف راهبردی جز با مشارکت گسترده مردم در انتخابات امکان پذیر است؟ اگر مشارکت کم باشد و آقای احمدی نژاد در دور اول ۵۱٪ رای بیاورد، چه کسی سود خواهد برد؟ مردم یا جریان حاکم نظامی - امنیتی؟ جواب معلوم است؛ شرکت نکردن یعنی رای دادن به عملکرد فعلی.

بد نیست که این توضیح را هم بدهم که در این ۳۰ سال، سه راهبرد در مورد انتخابات مطرح بوده است:

۱- بی قید و شرط و به دلیل وظیفه شرعی شرکت کنیم؛ که همان رای بلوکه حاکمیت است.

۲- نباید در انتخابات شرکت کرد به خاطر نقایص قانون اساسی و اینکه انتخابات آزاد، سالم و عادلانه برگزار نمی شود. این دیدگاه در صورتی موثر است که مردم با اکثریت بالا (۷۰٪) در انتخابات شرکت نکنند و با این رای اعتراضی خود بر تحولات تاثیر بگذارند. تجربه نشان داده است که مشارکت معمولاً حدود ۴۵-۵۰٪ می باشد.

۳- حضور در انتخابات برای آگاهی دادن به مردم و تقویت فرایند دموکراسی و در صورت مقضی شرکت کردن و رای دادن در انتخابات. این راهبرد به تدریج مقبولیت بیشتری پیدا کرده است.

مهندس توسلی در پایان گفت: ما می دانیم که در این دوره هم شرایط انتخابات آزاد، سالم و عادلانه برقرار نیست! اما این انتخابات فرصتی است برای مردم با درس گرفتن از گذشته و تحلیل واقعینانه شرایط کنونی، در انتخابات شرکت کنند و از ادامه وضعیت کنونی جلوگیری کنند. در پاسخ به این سوال که به «کدام نامزد اصلاح طلب» رای دهیم؟ باید گفت که در مرحله اول مشارکت بالای مردم مهم است؛ بایستی مواضع و برنامه های هر یک از دو نامزد اصلاح طلب را بررسی کنیم، هر کدام به خواسته ها و مطالبات ما نزدیکتر بود، رای دهیم. اگر انتخابات به مرحله دوم برسد انتخاب بصورت دموکراتیک و رای طبیعی مردم حاصل می شود.

پس از سخنرانی مهندس توسلی جلسه به صورت پرسش و پاسخ ادامه پیدا کرد.

شایان ذکر است که در روز جمعه هشتم نیز با حضور آقایان مهندس سحابی و مهندس توسلی جلسه گفت و گوی با دانشجویان و شرکت کنندگان برگزار شد و به تفصیل با حاضرین گفت و گو شد.